



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان درباره بیع معاطاتی بود منتهی به مناسبتی وارد بحث ربا شدیم ، بعضی از دوستان درخواست کردند که درباره ربا توضیح بیشتری داده شود ، بنده در سال ۱۳۷۹ شمسی بحث مفصلی درباره ربا و بانکداری انجام داده ام لذا الان قصد ندارم که به طور مفصل وارد این بحث بشوم اما چند مطلب را در این رابطه خدمتان عرض می کنم ؛ مطلب اول اینکه ما باید بدانیم که میزان و معیار ربا چیست؟ ما یک ربای قرضی داریم و یک ربای بیعی و معاملاتی داریم ، در ربای قرضی اگر زیاده و اضافه به هر شکلی (زیاده عینی و زیاده حکمی) وجود داشته باشد می شود ربا یعنی شارع مقدس در اسلام اینطور مقرر فرموده که هر چه که قرض داده می شود عیناً همان پس گرفته شود و اگر به هر شکل اضافه ای در کار باشد ربا و حرام می باشد مثل اینکه ۱۰ تومان قرض داده شود و ۱۲ تومان پس گرفته شود .

خوب و اما ربای معاملاتی که در بیع ذکر شده آن است که اگر دو چیز اولاً باهم همجنس باشند و ثانیاً مکمل و موزون باشند (نه معدود زیرا معدود اشکالی ندارد) در این صورت أخذ زیاده و اضافه ربا و حرام می باشد بنابراین در ربای قرضی زیاده و اضافه به هر شکلی که باشد ربا و حرام است ولی در ربای معاملاتی در صورت وجود دو شرط مذکور (همجنس و مکمل و موزون بودن) معامله ربوی و حرام خواهد بود . مطلب دوم اینکه کار بانکها فعلاً به شکل قرض می باشد که این از اروپا گرفته شده یعنی عاریه و ودیعه نیست چون در ایندو اصل مال باید حفظ شود بلکه تملیک و تملک و قرض می باشد و وقتی قرض باشد بحث ربا بوجود می آید .

اول که بانک تأسیس شد به این شکل بود که فکر کردند که عده ای پول دارند اما قدرت کار کردن ندارند و از طرفی عده ای نیز می خواهند کار کنند ولی پول و سرمایه ندارند لذا بانک را تأسیس کردند تا کسانی که قدرت کار کردن دارند ولی پول ندارند از بانک پول بگیرند و با آن کار کنند تقریباً شبیه مضاربه ، اگر به این ترتیب می ماند که خیلی خوب می شد زیرا در این صورت بانک از طرف شما وکیل امینی بود که پولتان را برای جریانهای اقتصادی مختلف مثل مضاربه و جعاله و امثال ذلک بدهد اما کم کم بانکداری قرضی و ربوی از اروپا به ایران آمد به این

صورت که دیگر بانکدارها وکیل شما نیستند بلکه هم به شما که پولتان را قرض گرفته اند ربا می دهند و هم پول شما را به دیگران نیز قرض می دهند و مبلغ بالاتری ربا می گیرند و خلاصه اینکه بانکداری قرضی ربوی به صورت یک تجارت بسیار وسیعی درآمد در حالی که اگر بانک نبود مردم خودشان ثرویشان را در فنون مختلف مثل صنعت و کشاورزی و امثال ذلک به کار می بردند و در نتیجه هم نعمت فراوان تر می شد و هم عرضه بیشتر می شد و در برابر کار و اشتغال و عمران و آبادی بیشتر می شد و کم کم فقر از بین می رفت اما این اتفاق نیافتاد بلکه بانکها وارد عمل شدند و ثروت مردم را گرفتند که این کار هم باعث ترویج رباخواری شد و هم باعث شد به مرور زمان اکثر مردم فقیر و عده ای ثروتمند بشوند .

در زمان حضرت امام (ره) درباره بانکداری اسلامی بحثی مطرح شد و حتی شهید محمدباقر صدر (ره) نیز کتابی به نام «البنک لاربوی» در این رابطه تألیف کرد که عمده مطلب آن این بود که ما کشورهای اسلامی می توانیم بانکداری اسلامی و غیر ربوی داشته باشیم به این صورت که صاحبان پول پولشان را به بانکها بدهند منتهی نه به عنوان قرض بلکه بانکها وکیل امینی از طرف آنها باشند تا اینکه پولشان را در امورات اقتصادی مختلف به جریان بیاورند که خوب بانکها از چند جهت موفق تر می باشند ؛ یکی اینکه پول بسیار کلانی در دست دارند که همین تمرکز ثروت باعث تمرکز قدرتشان می شود و دوم اینکه بانکها تجربه های فراوانی در امور اقتصادی دارند و سوم اینکه با دولت ها در ارتباط هستند لذا تسهیلاتی در مورد واردات و صادرات و غیره دارند بنابراین بانکها خیلی موفق تر از خود انسانها هستند و از طرفی هر کسی که مالک عین است مالک منافع آن نیز می باشد لذا صاحبان پولها و مالک منافع و پولها نیز می باشند و فقط مبلغی به عنوان کارمزد یا حق الزحمة به بانکها داده می شود ، خلاصه اینکه اگر کار به این صورت که عرض شد بود بانکها بدون ربا می شدند .

خوب حالا یک بحث دیگری در اینجا بوجود می آید و آن اینکه پولهایی که در دست بانکهاست متعلق به صاحبان آنها می باشد اما وقتی بانکها آنها را به جریان می اندازند پولها با هم مخلوط می شوند خوب ممکن است یک تجارتی ۱۰ درصد سود بدهد و دیگری ۲۰ درصد و قس علی هذا در حالی که بانکها به همه به صورت علی السویه سود می دهند که خوب این هم اشکال دارد زیرا پولها مختلف است و منافع آنها نیز مختلف است .

می باشد و بنده نیز تمام روایاتی که مربوط به ربا است را از فهرست بحار با آدرسش نوشته ام که فرصت بیان تمام آنها نیست مثلاً در روایتی آمده : « الرِّبَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَخْفَى مِنْ دَيْبِ نَمْلَةِ السُّودَاءِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ عَلَى السَّحَرَةِ الصَّمَاءِ » إن شاء الله خودتان بقیه روایات مربوط به ربا را مطالعه می کنید .

بحث دیگر این است آیا تحلیل ربا و حیلله های شرعی که برای ربا ذکر شده درست هستند یا نه؟ در کتب فقهای ما راههایی برای حلال کردن ربا ذکر شده مثلاً گفته شده شخصی که ۱۰ من برنج به کسی داده و می خواهد ۱۵ من از او پس بگیرد اگر یک چیز جزئی مثلاً یک سیر نبات به آن ۱۰ من برنج ضمیمه کند و بدهد در این صورت می تواند ۱۵ من برنج پس بگیرد ، از جمله کسانی که راههای مختلفی برای تحلیل ربا ذکر کرده اند شهید اول و شهید ثانی در لمعه و شرح لمعه و حتی صاحب جواهر در جلد ۲۳ از جواهر ۴۳ جلدی می باشند مثلاً صاحب جواهر گفته اگر طرفین قبلاً با هم تباخی کنند که زیاده و اضافه به عنوان هدیه و هبه داده شود اشکالی ندارد اما حضرت امام (ره) و همچنین بنده هیچکدام از این راههای تحلیل ربا که فقهای ما ذکر کرده اند را قبول نداریم ، یکی از دلائل بنده این است که اگر چنین چیزی لازم بود پیغمبر (ص) و ائمه (ع) که اینقدر دلسوزی و مهربانی نسبت به مردم دارند راههای تحلیل ربا که اینقدر حرمتش تشدید و تأکید شده را بیان می کردند در حالی که چنین چیزی از این بزرگواران وارد نشده بلکه این راهها را بعضی از فقهای ما ذکر کرده اند و بعضی دیگر قبول نکرده اند ، بقیه بحث بماند برای جلسه بعد. ...

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

بحث دیگر این است که بانکدارها (بانکداری قرضی و ربوی) گفتند اگر ما پول را به اشخاص بدهیم ولی آنها سر موعد مقرر آن را برنگردانند پول ما از بین خواهد رفت لذا آمدند و در ضمن یک عقد لازمی جریمه ای برای کسانی که در برگرداندن پول تأخیر می کنند در نظر گرفتند مثلاً گفتند ۱۰۰ میلیون تومان به شما قرض می دهیم ولی شرط می کنیم که اگر تا یک ماه دیگر آن را نیاوری باید ۱ میلیون تومان به عنوان جریمه روی آن بگذاری و بدهی و حضرت امام (ره) نیز این را قبول کردند و اشکالی ندارد و صحیح است ، و الان نیز بانکها می گویند ما سود دیر کردمان را با همین عنوان می گیریم اما بنده عرض می کنم که به این عنوان نمی گیرند لذا دیر کردشان ربا می باشد زیرا جریمه دیر کرد فقط برای تأخیر اول اشکال ندارد چون که شرطی است در ضمن عقد لازم و المؤمنون عند شروطهم در حالی که بانکها یک نرخی برای تأخیرهای متعدد و مختلف در پرداخت پول براساس زمان مشخص کرده اند مثلاً می گویند اگر یک ماه تأخیر کرد فلان مقدار و اگر یک هفته و حتی یک روز تأخیر کرد فلان مقدار باید جریمه دیر کرد بدهد که این غیر از دفعه اول ربا و حرام می باشد . (اشکال و پاسخ استاد) : ربا را هیچ چیزی نمی تواند حلال کند زیرا : المؤمنون عند شروطهم إلا ما أحلّ حراماً و حرمّ حلالاً یعنی شروط در صورتی نافذ هستند که موجب تحلیل حرام و تحریم حلال نباشند و مانحن فیه (أخذ سود دیرکرد توسط بانکها) نیز ربا و حرام است و هیچ شرطی نمی تواند ربای حرام را حلال کند .

بحث دیگر این است که ما روایات فراوانی درباره مذمت ربا داریم و قرآن نیز در هفت جا از ربا نهی کرده مثلاً در قرآن گفته شده که ربا از یهود گرفته شده در حالی که در تورات نیز از ربا نهی شده است و الان نیز بیشتر بانکهای مهم ریشه اش به یهود برمی گردد و رهبر معظم انقلاب نیز در سفر اخیرشان به کرمانشاه فرمودند که مردم اروپا به این خاطر قیام کردند که سران آنها نوکر دولتمردان آمریکائی شده اند و دولتمردان آمریکائی نیز نوکر صهیونیست ها هستند پس در نتیجه دولتمردان اروپایی نوکر صهیونیست ها شده اند لذا مردم بیدار شدند و قیام کردند .

خوب همانطور که عرض شد روایات فراوانی در مذمت ربا وارد شده مثلاً در روایتی گفته شده ؛ یک درهم از ربا اشدُّ من سبعین زنیةً کُلُّها بذات المحرم و حتی در بعضی از روایاتمان گفته شده ؛ اشدُّ من سبعین زنیةً فی بیت الحرام و همچنین در بعضی از روایاتمان گفته شده که ربا اکبر الكبائر و أعظم الكبائر است پس ربا از گناهان کبیره بسیار بزرگ